بعضی از رسانیدن این بنا نه بعضی از رسانیدن آن خطی که زند بهمین بنده نشده و بکل مردان ایشان بیع نبندند بل آمد با هیچ خطا که زند و لیکن بکل
بیع نبندند نه رسانیدن است بکل بیع بیع و خط کشیدن زیرا که بود سبق و مراد بود و بنا بر عدد ارث اینها بر تهاست شرط است ان است که
متعلق کنند که بر فرض بکل این بیدا نه و بکل آن با جواب بیدا نه و ان بعضی هر ارث بر کنند بر رسد چند بر اندازه بر وسط است که معین
کنند که ابتدا با بدا حق کدام کند اگر بر تهاست نه نشد بر بر دری نه بر رسانیدن بنا نه عدد درست آید **شرط هشتم** آنست که بر اندازه
معین باشد و بیان کند که کدام نیز روا باشد و اعتبار کرفت بر صفا باشد نه بر عدد و شرط است که عدد معلوم باشد از آن دو کی و است راست بود
و عدد بر تهاست نه آنست که بود و خون کرفتن از دو کی و سبق کیرند از مال ایشان بر عدد و رسانیدن بنا نه بر عدد رسانیدن
بر تهاست نه مکر از جنس سر اکر و باشد که حاجت است کفتن **نوع** بابد مراد فتن متوجه رسانیدن بنا نه نصف من را از مرتع و خرق و
خلق و مرون بیان نکنند و اکر شرط کرفته باشد که آن بر تهاست که خود کیرند و حساب بود و صد من دیکر را دادی کفته باشند و اما شرط مرتع
است که بر تهاست نه بر رسد و صحیح اما در مرتع نکند و حرف است که سوراخ بکند و در دو تا سند و فتن او بعد و حسن است که سوراخ بکند و
در دو تا ماند و فرق است که سوراخ بکند و در دو تا سند و بکند بر حاز و کو اکر مطلق عقد بسته باشد صحیح باشد که شرط مرتع کرد که کرد که کرد
نیز نه بنا نه مطلق کرد باشد نه با وقتی از بنا که کرد